دیدن آن فیلم همچنان جرم است

محمدرضا شفاه تهیه‌کننده سینما، درباره آخرین وضعیت اکران فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» به باشگاه خبرنگاران جوان، گفت: تصمیم سازمان سینمایی این است که قطعاً امسال فیلم ما را اکران نکند؛ شاید فکر می‌کنند فضای این روزها سیاسی و انتخاباتی است و دیدن چنین فیلم‌هایی روی خواسته‌ها و ایده‌آل‌هایشان اثر می‌گذارد.

وی افزود: البته ما تمام تلاشمان را می‌کنیم که متوجهشان کنیم، فیلم ما نه علیه دولت و نه جریان سیاسی مشخصی است؛ بلکه نقدی به شرایط سیاست‌ورزی امروز و سیاستمداران در همه طیف‌ها دارد. گفتنی است فیلم سینمایی «دیدن این فیلم جرم است» به کارگردانی رضا زهتابچیان در سی‌وهفتمین جشنواره فیلم فجر نمایش داده شد.

در خلاصه داستان این فیلم آمده: فقط یک فیلم پنج دقیقه‌ای می‌خواستم تا بعدا بتونم از زنم و دخترم دفاع کنم، ولی امونم ندادند... صدای آژیرهاشون داره نزدیک می‌شه... الان مثل مور و ملخ میریزن اینجا.

امیر آقایی، لیندا کیانی، مهدی زمین‌پرداز، حسین پاکدل، محمود پاک‌نیت، حمیدرضا پگاه، احسان امانی، احسان شیخی بازیگران «دیدن این فیلم جرم است» هستند.

آخرین وضعیت شهرهای بدون سینما

جانشین رئیس سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور آخرین وضعیت احداث پردیس‌های سینمایی امید با مشارکت شهرداری‌ها و در راستای بر قراری عدالت فرهنگی در ۱۱ شهر فاقد سینما را اعلام کرد.

به گزارش جام‌جم، مسعود نصرتی در این زمینه گفت: به موجب تفاهم نامه همکاری مشترک بین سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و سازمان امور سینمایی و سمعی بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با استفاده از ظرفیت طرفین تفاهم نامه و با مشارکت شهرداری‌ها در شهرهای فاقد سالن سینما، پردیس سینمایی امید ساخته می‌شود.

وی با بیان این‌که در احداث پردیس‌های سینمایی امید، سازمان امور سینمایی و سمعی بصری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کار صدور مجوز و ارائه مشاوره‌های فنی، تهیه نقشه و طراحی سازه و پرداخت ۷۰۰ میلیون تومان به صورت کمک بلاعوض را بر عهده دارد، گفت: به منظور سرعت گرفتن اجرای این پروژه، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور به شهرداری‌های شهرهای فاقد سینما که در احداث پردیس سینمایی امید مشارکت دارند تا سقف ۵۰۰ میلیون تومان، با پیشرفت فیزیکی پروژه، به صورت کمک بلاعوض پرداخت می‌کند.

نصرتی افزود: ساخت پردیس سینمایی امید در شهر ایلام با چهار سالن و ۴۰۰ صندلی و در شهر اندیمشک در استان خوزستان در با سه سالن و ۴۱۰ صندلی پس از طی مراحل مربوطه شامل اعلام آمادگی شهرداری، انعقاد تفاهم نامه برای تحویل فازهای مختلف نقشه و انتخاب پیمان کار در مرحله آغاز عملیات اجرای پروژه قرار دارد.

وی ادامه داد: ساخت پردیس سینمایی امید در شهرهای گناوه در استان بوشهر شامل سه سالن با ۳۶۰ صندلی، ایرانشهر در استان سیستان و بلوچستان شامل سه سالن با ۳۷۳ صندلی، بانه در استان کردستان شامل سه سالن با ۲۶۵ صندلی و منطقه آزاد ماکو در استان آذربایجان غربی شامل سه سالن با ۳۶۵ صندلی پس از اعلام آمادگی شهرداری‌ها در مرحله تحویل نقشه فاز دو قرار دارد.

نصرتی همچنین اعلام کرد: ساخت پردیس سینمایی امید شامل سه سالن در شهرهای میناب در استان هرمزگان، تربت حیدریه در استان خراسان رضوی و طبس در استان خراسان جنوبی در مرحله انعقاد قرارداد تهیه نقشه قرار دارد.

براساس گزارش روابط عمومی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور، وی همچنین از اعلام آمادگی شهرداری‌های خلخال در استان اردبیل و بم در استان کرمان برای مشارکت در ساخت پردیس سینمایی امید خبر داد.

برگزاری نشست تصویر سیستان و بلوچستان در سینما

آن‌طور که مهر گزارش داده، نخستین نشست از سلسله‌نشست‌های بررسی چالش‌های توسعه سیستان و بلوچستان با عنوان «تصویر سیستان و بلوچستان در سینمای ایران» برگزار می‌شود.

نشست چهار روزه «بررسی تصویر سیستان و بلوچستان در سینمای ایران» نخستین برنامه از «سلسله‌نشست‌های بررسی چالش‌های توسعه سیستان و بلوچستان» است که با حضور و سخنرانی صاحب‌نظران و کارشناسان این استان و همچنین فیلمسازان و سینماگرانی که در آن دیار تجربه فیلمسازی دارند، از دهم تا ۱۳ مرداد ساعت ۱۶ و ۳۰ دقیقه تا ۱۹ در «خانه گفتمان شهر» برگزار می‌شود و حضور در این نشست برای مخاطبان و علاقه‌مندان آزاد است.

خانه گفتمان شهر (وارطان) در میدان فلسطین ابتدای طالقانی غربی پلاک ۵۱۴ واقع شده است.

گفت‌وگو با سعید پیردوست به مناسبت تولد ۷۸ سالگی مسعود کیمیایی

کیمیایی با سینما زنده است

امروز مسعود کیمیایی ۷۸ ساله می‌شود. کسی که سهم بزرگی در جریان‌سازی سینمای ایران دارد و اگر نگاه عمیق و مستقل و پردغدغه‌اش نبود اوضاع سینمای معاصر ایران جور دیگری رقم می‌خورد. به این مناسبت از زبان سعید پیردوست همکلاسی و دوست سال‌های دور او، نگاهی به زندگی پر فراز و نشیب مسعود کیمیایی انداخته‌ایم که خواندنش خالی از لطف نیست.

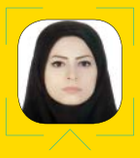

ساناز قنبری
سینما

می‌خواهم از شما به عنوان کسی که سابقه دوستی دیرینه‌ای با مسعود کیمیایی دارد، بپرسم که در درون این مرد چه می‌گذرد؟

بگذارید از اینجا شروع کنم که دوستی من و کیمیایی برمی‌گردد به زمانی که ما به دبیرستان بدر در بالای بازارچه حمام نواب (غرب خیابان ری) می‌رفتیم. من و ایشان آن زمان با هم همکلاس بودیم و پشت یك نیمکت در کلاس می‌نشستیم. البته دوستی ما محدود به مدرسه نمی‌شد و رفت و آمد خانوادگی هم داشتیم. خدا رحمت کند پدر و مادر ایشان را که انسان‌های بسیار شریف و محترمی بودند و ان‌شاءا... هر چه خاك آنهاست بقای عمر آقای کیمیایی باشد. دوستی ما به آن دوران برمی‌گردد. بعدها البته من به‌دلیل مسائل خانوادگی که داشتم مجبور به کار شدم و به تبع آن کمی از سینما فاصله گرفتم، اما به‌دلیل علاقه‌ای که به سینما داشتم کارهای کیمیایی را دنبال می‌کردم تا زمانی‌که ایشان فیلم قیصر را ساخت. این فیلم ورق نو و جهشی در سینمای آن روزگار بود که به نوعی سینمای مدرن را به ایران شناساند.

از همان زمان که در دبیرستان با هم پشت یك نیمکت می‌نشستید، دغدغه و دل‌مشغولی کیمیایی سینما بود.

ایشان از همان‌موقع عاشق سینما بود. او عاشق جان فورد (کارگردان صاحب‌نام سینمای آمریکا) و گری کوپر (هنرپیشه آمریکایی) بود و من عاشق گریگوری پك (هنرپیشه آمریکایی). دبیرستانی که بودیم حرف اول و آخرمان سینما بود. عکس‌های بازیگرها و فیلم‌ها را از مجلات می‌کندیم و به هم می‌دادیم و خلاصه که عشق فیلم بودیم.

فکر می‌کنم خود شما هم به واسطه آقای کیمیایی وارد سینما شدید.

بله. من البته از بچگی از وقتی مدرسه می‌رفتم عاشق بازیگری بودم و سینما جزئی از وجود من محسوب می‌شد. آن زمان‌ها هم به نوعی در تمام کارهای آقای کیمیایی که در تهران فیلمبرداری می‌شد، حضور داشتم. مثلا در فیلم بلوچ پابه‌پای ایشان کمك می‌کردم و خاطرم هست در فیلم خاك بود که از ایشان خواستم در این فیلم نقشی به من بدهد و این‌طور شد که نقش خیلی کوتاهی در آن بازی کردم. در آن فیلم من قهوه‌چی روستا بودم و تنها یك دیالوگ می‌گفتم با این مضمون که: «چایی یکی یه ریال دیگه تازه و کهنه نداره!». این فیلم شروع کار من در سینما بود و بعد از آن در گوزن‌ها نقش یك کبوتربار را بازی می‌کردم و همین‌طور الی آخر.

به تازگی نسخه متفاوتی از پایان‌بندی فیلم گوزن‌ها در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که با آنچه تماشاگران در ۴۰ سال قبل دیده‌اند، فرق دارد. نسخه‌ای که در واقع ساواك برای پایان گوزن‌ها پیچیده بود و با هر متر و معیاری مضحك به نظر می‌آمد. می‌خواهم بدانم چقدر در جریان نسخه دستکاری‌شده این فیلم هستید؟

همان‌طور که خود کیمیایی می‌گوید؛ بعد از نمایش گوزن‌ها در جشنواره جهانی فیلم تهران گفتند انتهای فیلم باید تغییر کند. چون در ذهن خودشان از شخصیت‌های فیلم ما به‌ازای واقعی ساخته بودند. حتی خاطرم هست که آن زمان ساواك، کیمیایی را خواست و در نهایت خود کیمیایی زیر بار تغییر فیلمش نرفت. به همین خاطر بود که به دستور ساواك پایان‌بندی آن کاملا تغییر کرد که حالت قهرمانانه شخصیت‌های اصلی‌اش از بین برود. همین پایانی که به‌تازگی در فضای مجازی منتشر شده به دستور ساواك بود.

در طول چند دهه که از حضور کیمیایی در سینمای ایران می‌گذرد فراز و فرودهای زیادی خواسته و ناخواسته پیش پای او قرار گرفته و با سوءتفاهمات بسیاری مواجه شدند. چطور شد که با وجود تمام این نامرادی‌ها هنوز هم پشت دوربین سینما می‌ایستد؟

آن چیزی که انسان را زنده و پابرجا نگه می‌دارد «عشق» است. عشق به سینما، به خانواده، به شخص و... . عشق به انسان انرژی می‌دهد.

کیمیایی عاشق سینما و ایران است. از وقتی که به یاد دارم، دست به قلم بود و می‌خواند و می‌نوشت و چیزی که هنوز ایشان را سرپا نگه می‌دارد همین عشق است. بی‌عشق انسان هیچ است. او بارها با عناوین مختلف در دیالوگ‌هایش گفته: «حضور انسان و چگونگی حضور انسان خیلی مهم است». کیمیایی با سینما زنده است و زنده خواهد ماند.

چه چیزی باعث شده رفاقت شما و کیمیایی تاکنون ادامه داشته باشد؟

ما رفیق بودیم که به قول معروف مولای درز رفاقتمان نمی‌رفت. عاشق هم بودیم، عاشق هم هستیم و عاشق هم خواهیم ماند. ممکن بود خطایی ناخواسته از یکی از ما سر می‌زد، اما به دل نمی‌گرفتیم. همیشه سعی کردیم برای هم رفیق بمانیم، حتی دورا دور.

شما در چند فیلم کیمیایی بازی کردید؟

۱۳-۱۴ فیلم.

چندماه پیش پروانه ساخت جدیدترین اثر ایشان «خون شد» هم صادر شد که البته هنوز جلوی دوربین نرفته است. قرار نیست در این فیلم بازی کنید؟

هنوز صحبتی در این باره با من نشده. آخرین کاری که با آقای کیمیایی انجام دادم «قاتل اهلی» بود. امیدوارم خدا به ایشان نیرو و قوت بدهد و سایه ایشان و تمام بزرگان این حرفه بر سر سینما باشد تا بتوانند حالا حالاها به هنر این سرزمین خدمت کنند. امثال آقای کیمیایی، مهرجویی، تقوایی، مشایخی، شکیبایی، نصیریان و... دیگر پیدا نمی‌شوند. اینها سرمایه‌های گرانبهایی هستند و آن‌طور که باید و لیاقت‌شان است بدون این‌که قدر دیده شوند، یکی یکی از دست‌مان می‌روند.

به نظر شما جایگاهی که امروز کیمیایی دارد، چقدر به ذهنیت آن روزهایی که پشت یك میز در دبیرستان می‌نشستید و هر دو عاشق سینما بودید، شباهت دارد؟

خب دیدگاه الان ما نسبت به سینما و کلا جهان خیلی نسبت به سابق متفاوت و البته وسیع‌تر شده. آن موقع ما فیلم خوب را فیلمی می‌دانستیم که بتواند با مردم ارتباط خوبی برقرار کند، اما الان کیمیایی فیلمی را می‌سازد که بتواند با دنیای روز ارتباط بگیرد و این ویژگی را به روشنی می‌توان در دیالوگ‌های فیلم‌هایش دید.

ایشان در فیلم‌هایش دست روی مباحثی می‌گذارد که باید روی آن فکر کرد. او به یاد پاکی‌ها و جوانمردی‌های قدیم بارها فساد، سرمایه‌داری و بی‌معرفتی را مقابل یکدیگر قرار می‌دهد. متاسفانه در سال‌های اخیر به‌خصوص، شاهد بی‌توجهی‌ها و قدرناشناسی‌های زیادی نسبت به ایشان هستیم، اما او هنوز محکم سرجایش ایستاده تا ثابت کند که؛ از پا نمی‌افتد.

خودتان از بین کارهای ایشان کدام یك را بیشتر می‌پسندید؟

فیلم‌های ایشان تاریخ مصرف ندارد. گوزن‌ها را همین الان اگر ببینید احساس می‌کنید برای همین امروز ساخته شده یا داش آکل، عاشقانه‌ای بسیار زیباست که شخصا بسیار دوستش دارم. کارهای کیمیایی یك مجموعه است و اصلا نمی‌توان گفت کدام یك بهتر از بقیه است.

معمولا اطراف افرادی که در سینما کار می‌کنند، شایعه زیاد است. شما در این سال‌ها چه احساسی نسبت به شایعات پیرامون زندگی آقای کیمیایی داشتید؟

این‌که بقیه چه می‌گویند مهم نیست، مهم این است که انسان نزد وجدان خودش خیالش راحت باشد کاری که می‌کند درست است. اگر انسان به درك درستی از زندگی رسیده باشد، حرف‌های دیگران برایش هیچ اهمیتی ندارد. آقای کیمیایی سالم و درست زندگی کرده، خانواده بسیار خوبی داشته و دقیقا به اندازه فیلم‌هایش پایبندی به اصول اخلاقی برایش مهم بود. یك قدم خلاف در زندگی‌اش برنداشت و بقیه را هم همیشه دعوت به همین کار می‌کرد.

آقای کیمیایی به عنوان کارگردان چقدر انتقادپذیر هستند؟

صد در صد. مگر می‌شود فیلمسازی با مردم ارتباطی تنگاتنگ داشته باشد و انتقادپذیر نباشد! اما مهم این است که انتقاد، اصولی و قابل بررسی باشد.

کیمیایی از آن فیلمسازانی است که فیلمسازی‌اش در سال‌های اخیر به‌خصوص، مورد انتقادهای تند و تیزی قرار گرفته. نظر شما درباره حواشی فیلم‌های اخیر ایشان چیست؟

یك سری معتقدند که کیمیایی دیگر مثل قدیم فیلم نمی‌سازد! خب، شما اول باید ببینید که در چه زمانی زندگی می‌کنید. اگر من عاشق فیلم گوزن‌ها هستم، دلیل ندارد که الان توقع ساختن گوزن‌های دیگری را از کیمیایی داشته باشم. همان‌طور که نمی‌توانم توقع ساخت آثاری مثل جنگ و صلح یا بر باد رفته را در سینمای جهان داشته باشم. کیمیایی و هر کارگردانی طبق شرایط روز فیلمسازی می‌کند.

الان کیمیایی به شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نگاه می‌کند و فیلمش را می‌سازد. او فیلمسازی اجتماعی است و فیلم‌هایش برآمده از دل جامعه روز است. خود شما اگر الان فیلمی مانند قیصر را روی پرده سینما ببینید چه فکری می‌کنید؟ قاتل اهلی را ببینید، سربازهای جمعه را ببینید، جرم را ببینید، چه حرف‌هایی در لابه‌لای گفت‌وگوها و مضامین آنها نهفته است؟ متاسفم که یك سری اصل را رها کرده‌اند و فرعیات را متر و ملاك قرار داده‌اند.

خودتان الان مشغول چه کاری هستید؟

در فیلم «آنجا همان ساعت» به کارگردانی سیروس الوند بازی کردم که هنوز اکران عمومی نشده و در سریال‌های ستایش ۳، حکایت کمال و ۸۷ متر به کارگردانی کیانوش عیاری هم بازی کردم.

با توجه به توانایی‌ها و دوستان خوبی که در سینما دارید، قابلیت تبدیل‌شدن به یك بازیگر مولف را داشتید. خودتان نخواستید یا پیش نیامد؟

نمی‌دانم. شاید پیش نیامد، شاید خودم این رو را نداشتم که به این دفتر و آن دفتر بروم و خودم را مطرح کنم. هر اتفاقی در بازیگری برای من افتاد خود کارگردان‌ها بر اساس توانایی‌هایم این اعتماد را به من کردند و به من نقش دادند. همیشه با خودم می‌گفتم؛ من یك بازیگرم، اگر کارم خوب باشد خودشان به من بازی می‌دهند، اما خب بالاخره باید پذیرفت که در سینما، به‌خصوص سینمای فعلی رابطه نقش پررنگی را بازی می‌کند و من نمی‌توانستم روابطی به این شکل برقرار کنم.

در روز تولد مسعود کیمیایی چه آرزویی برای ایشان دارید؟

مسعود کیمیایی برای این سینما عزیز است و من برایشان آرزوی سلامتی و موفقیت و سربلندی دارم. جایگاهی که امروز سینمای ایران در دنیا دارد حاصل دسترنج امثال کیمیایی است و امیدوارم قدر این جایگاه را بدانیم و برای آن ارزش قائل شویم.

خاطره روزهای جوانی

آن زمان‌ها من و مسعود کیمیایی و مرحوم سرهنگ حسین‌زاده و چند نفر دیگر جوان‌هایی بودیم عاشق سینما. ما شب‌های جمعه دور هم جمع می‌شدیم، پول‌هایمان را روی هم می‌گذاشتیم و می‌رفتیم سینما رکس در خیابان لاله زار که بهترین فیلم‌های وسترن را نشان می‌داد. بعد از فیلم هم می‌نشستیم دورهم و درباره آن بحث می‌کردیم.